

پاکستان، مرکز و حامی تروریسم

شماری از پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا
در رابطه

پاکستان، مرکز و حامی تروریسم



شماری از پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا
در رابطه

شناسنامه کتاب:

عنوان: پاکستان، مرکز و حامی تروریسم

ناشر: انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تاریخ نشر: ماه نومبر سال ۲۰۱۷

ویراستار: قاسم آسمایی

06.08.2021

بجای مقدمه در رابطه به باز نشر کتاب :

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با درك از رسالت در قبال تراژیدی خونبار افغانستان و با درك از مسؤولیت مسلکی طی یکدهه اخیر ، کتاب را تحت عنوان : پاکستان مرکز و حامی تروریسم ، راکه حاوی الزام حقوقی علیه دولت انکشور بمثابه حامی تروریسم می باشد ، تجدید و باز نشر مینماید .

در احوالیکه افغانستان در دور جدید بازیهای بزرگ و در کشمکش کلان جیوپولوتیک رقبای بین المللی و منطقوی ، اماج دور جدید جنگ و جنایات علیه بشریت قرار دارد و پاکستان کماکان به جنگ اعلام ناشده و استفاده از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی بخاطر سیطره بر کشور ما دوام میدهد ، شورای رهبری انجمن افتخار دارد که در دفاع از داعیه بر حق افغانستان این کتاب را با ایزاد مطالب جدید ، تجدید چاپ مینماید وبه تمام مراجع ذیربط ملی و بین المللی بشمول سازمان ملل متحد تقدیم میدارد .

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است ، تصفیه حساب قدرتهای رقیب در اوج جنگ سرد که کشور ما بحیث نطع آن قربان گردید و تداوم کشمکش های جیوپولوتیک رقبای بینالمللی و منطقه پی و جنگ های نیابتی ، دردور جدید بازیهای بزرگ ، جنگ خانمانسوز را تداوم بخشیده است .

درین راستاویک بخش اساسی عامل دوام مصیبت و کشتار ، همانا ادامه جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد که از (۱۹۷۵ م) با تجهیز و تسلیح و فرستادن گروه های خرابکار بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان آغاز یافته ودرین چهل وشش سال به اشکال متفاوت جریان دارد .

پاکستان ازگروه های تروریستی بمثابه ابزار دستیابی به اهداف بلند مدت سیاست خارجی خود استفاده مینماید ، تا عمق ستراتیژیک را بدست آورده و پلان جنرال ضیا الحق مبنی بر « مرگ با هزار زخم » و « کابل باید بسوزد » را در ورای همین امیال مطرح و بخاطر تحقق انتلاش نموده اند .

در احوال کنونی افزون بر طالبان ، تا بیست گروه تروریستی و شرارت پیشه ، بشمول داعش و القاعده در افغانستان فعال میباشند و مورد حمایه استخبارات آنکشور قراردارند.درین دو دهه حضورگسترده نظامی امر یکوسازمان ناتو ، پاکستان با اجرای نقش دوگانه سی و سه میلیارددلار را بحساب « پیمانکار » تصاحب و همزمان ببرکت سیاست کجدار و مریز امریکا و انگلیس به سازماندهی مجددطالبان وگروه های تروریستی ، جنگ اعلام نا شده را تداوم بخشیده و افغانستان اماج جنایت علیه بشریت قرارگرفته و همه روزه تروریستان با کشتار اهالی ملکی جنایات جنگی و ضد بشری تکرار میگردد .

پاکستان در تمام این مدت بیشتر از چهار دهه در برابر شکایات و اعتراضات جانب افغانی که دوسیه قطوری رادرمراجع ذیربط بین المللی شورای امنیت ملل متحد ، بوجود آورده است ، با لطایف الحیل و انکاراز حقایق و خاکزدن بچشم جهانیان را پیشبرده است و اما قتل اوسامه بن لادن در اسلام اباد و به تعقیب آن مرگ مرموز ملا محمد عمر وقتل ملا منصوردرانکشور ، طشت رسوای شانرا از بام

انداخت و امر یکو و اعضای ناتو نیز که به قیمت خون سربازان شان و وقوع حملات تروریستی در کشور های شان ، زهر تروریوری را احساس کرده اند ، بالجباریه حقانیت ادعای افغانستان ، لافل درحرف اعتراف و رییس جمهور قبلی امریکا در نخستین توییت خود (اول جنوری ۱۹۱۸ م) پاکستان را مرکز و حامی تروریسم خطاب نمود . اما در عمل ما شاهد کدام اقدام اساسی بخاطر نابودی مراکز تروریستان نبوده ایم .

این سوال دارایی اهمیت اصولی که مشروعیت خالقان ، امر یکو و متحدان آنرا ، مورد شک قرار میدهد این است که در صورتیکه اوسامه و ملا منصور واجب القتل اند ، با میزان و حامیان چه برخورد باید صورت گیرد؟

افغانستان قربانی تروریسم و آماج جنایات علیه بشریت قرار دارد و همه روزه مردم ملکی در جنایات جنگی و ضد بشری تلف میگردند که بر طبق میثاقهای بین المللی بحیث جرایم بین المللی تعریف گردیده اند.

بدینرو مردم مظلوم افغانستان حق دارند تا وجدان جامعه بین المللی را مخاطب ساخته و بخاطر حق حیاتیافغان و حق گذار افغانستان به شاهراه صلح و ترقی دادخواهی نمایند واز سازمان ملل متحد و شورای امنیت و به ویژه از اعضای دائمی آن مطالبه نمایند که ارزشهای جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی واحکام منشور ملل متحد را بر مصالح سیاسی مرجع دانسته و به قربانیان تجاوز و ترور و مردم به عزا نشسته که طولانی تر ین جنگ را متحمل و مسولیت اخلاقی شما در قبال شان اظهر من الشمس است ! عطف توجه نمایند و به نخستین پله تقرب به صلح که همانا نابودی مراکز تروراست ، تدابیر عملی اتخاذ و دولت پاکستان بحیث حامی تروریستان تعریف و مورد تعزیرات جدی بین المللی قرار گیرد.

بر اساس این تعزیرات باید جنرالان و رهبران سیاسی و نظامی که مجری پلان های استخبارات نظامی آنکشور بوده و یامیباشند در فهرست سیاه شامل و تدابیر بخاطر محاکمه شان اتخاذ گردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا امیدوار است که نشر این مجموعه که حاوی یکتعداد اسناد و اعلامیه ها و ترجمه ان به زبان انگلیسی مبنی بر الزام حقوقی علیه پاکستان میباشد ، بتواند در بعد حقوقی ، در خدمت داعیه برحق دفاع از افغان و افغانستان ، در امر شریفانه دادخواهی بخاطر معرفی پاکستان بحیث مرکز و حامی تروریسم ، موثر قرار گیرد.

هست و بود افغانستان درگرو برقراری صلح پایدار میباشد و صلح در دوام جنگ اعلام نشده پاکستان و مراکز تروریستی درانکشور ، در حضور و یا عدم عساکر ناتو یک سراب خواهد بود .

بدینرو بسیار ضرور است تا :

افغانان متعهد به وطن و مردم با عقلانیت این واقعیت دردناک رادرك و دریک گفتمان همجانبه وبا جنگ زدن به مصالح عمومی ، منشور ملی مقابله با دسائیس سویر شیطانی پاکستان را بمثابه دشمن تاریخی و همسایه تعویض نا پذیر ، طرح و بخاطر تحقق ان صادقانه تلاش نمایند .

با حرمت

میر عبدالواحد سادات

رییس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

کمپاین بزرگ برضد نقش پاکستان به حیث یکی از عوامل منازعه

در یک کمپاین بزرگ برضد نقش پاکستان بحیث یکی از عوامل منازعه و آشوب در کشور ما وتقویه تروریزم بین المللی همصدا شوید!

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از شما هموطنان عزیز صمیانه تقاضا مینماید تا بر مبنای منافع ملی، مصالح علیای کشور و دفاع از افغان و افغانستان در راه اندازی یک کمپاین مشترک با ما شریک گردیده از این اقدام پشتیبانی نمایید.

از آنجاییکه مسئله نقش دولت پاکستان بحیث یک رژیم خطرناک برای امن وثبات منقطوی و بین المللی و مرکز تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن تروریست، در محراق توجه سیاست های منقطوی، بین المللی و اخصاً شورای امنیت ملل متحد قرار گرفته است؛ بجایه موقع است تا ما همه در یک کمپاین مشترک و بزرگ برضد سیاست های تروریستی پاکستان و اقدامات آن دولت برعلیه امنیت ملی، منقطوی و بین المللی شریک گردیم.

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبعی" و مخلوق استراتژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب و منازعه بوده به تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت ورزیده، بصورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

در اوضاع کنونی نقش دولت پاکستان بحیث ناقض منشور ملل متحد، حامی تروریزم و رکن شرارت بین المللی بیشتر از هر زمان دیگر برجسته گردیده و بحیث شناخته شده ترین ناقض منشور ملل متحد و تعهدات بین المللی میباشد. دستگاه استخبارات پاکستان بزرگترین مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان و مرکز پرورش شرارت پیشگان شریبرین المللی بوده مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد. همچنان دولت پاکستان و اجیران آن جرایم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند و افغانستان را به بزرگترین قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده خویش مبدل ساخته است.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از هموطنان قدرمند ما در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی و مدافعان وطن و مردم تقاضا مینماید تا بحیث یک داعیه ملی صدایی اعتراض همزمان شانرا در یک کمپاین بزرگ در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و در این داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظر داشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدیولوژیک و سلیقه ها همزمان سهیم گردید. هیأت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پاکستان مرکزوحامی تروریزم بین المللی

پاکستان بحیث یک کشور غیر "طبیعی" ومخلوق استراتیژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب ومنازعه بوده ومزبقای خودرا در خفقان داخلی ودشمنی با همسایه گان جستجو نموده وبخصوص بعد از کودتای نظامی جنرال ضیاالحق (۱۹۷۷ م.) بحیث حلقه اساسی در «کمربند سبز» و «نقاب جمهوری اسلامی» به تربیه، تجهیز وتسلیح گروه های دهشت افگن مبادرت ورزیده وبه صورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

افغانستان از بدو خلقت نامیمون پاکستان در راستای نقش خصمانه وتاریخی این کشور در معرض دسایس اسلام آباد (که عضویت پیمانهای نظامی را حاصل کرده بود) قرار داشته وبا اعلام جمهوری (۱۹۷۳ م) آماج جنگ اعلام ناشده آنکشور قرار گرفته و تا اکنون ادامه دارد.

از همان جمهورییت اول تاکنون جنگ اعلام نا شده پاکستان به اشکال و شیوه های مختلف ودر نقشهای متفاوت از تربیه، تسلیح وصدور خرابکاران گرفته تا تبدیل شدن آن بحیث «تخته خیز» در اوج جنگ سرد، طرح کنفدراسیون وجنگهای تنظیمی دهه نود میلادی، رول بازی نموده است وهمچنان تلاش دستگاه نظامی . استخباراتی پاکستان بخاطر تسلط مستقیم در وجود طالبان، بخاطرتثبیت عمق ستراتیژیک، بی ثبات سازی وتضعیف افغانستان دریک ونیم دهه اخیر، صورت گرفته وادامه دارد. (ارائه دلایل در رابطه به این حقایق آفتابی، بحیث اثبات "کفرابلیس" «تحصیل حاصل پنداشته میشود).

پاکستان ناقض منشور ملل متحد وتعهدات بین المللی :

نظام بین المللی معاصر ملهم و استوار بر یک اصل قبول شده بی حقوق بین المللی میباشد Pacta Sunt Servanda. تعهد باید اجرا گردد) که اعضای سازمان ملل متحد متعهد ومکلف به اجرای آن میباشند. اما در عمل دولت پاکستان در قبال تعهدات خود در برابر جامعه بی جهانی عمل نکرده ودر رابطه به

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

افغانستان در مجموع وبخصوص بعد از عقد موافقت نامه ژینو (۱۹۸۸ م) و تا اکنون، هیچگاهی به تعهد، وعده و وعید خویش وفا نکرده است.

پاکستان هم عضو سازمان ملل متحد است وهم با پررویی منشور آن و دیگر اصول قبول شده حقوق بین المللی را نقض مینماید؟

پاکستان هم عضو جامعه جهانی است وهم از خاک آنکشور به جهان تروریست صادر میکند؟

پاکستان هم «شریک استراتژیک» امریکا است وهم جنگ اعلام نا شده رابا هم پیمان آن کشور (افغانستان) ادامه میدهد؟ بدینترتیب مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) دولت و رهبران پاکستان زیر سوال رفته است!

آیا بسیار سوال برانگیز نیست؟

که درین پانزده سال اخیر حضور گسترده امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان ملیاردها دالر را زیرنرم همکاری مبارزه برعلیه «تروریسم» تصاحب نموده است، در حالیکه رهبران و مراکز سازمانهای تروریستی در داخل آنکشور فعال می باشد.

امریکا بخاطر اسامه بن لادن سردسته شرارت پیشگان القاعده به افغانستان هجوم نظامی نمود و چند سال بعد سر و کله تروریست شماره یک، از اسلام آباد پیدا گردید، برسر ملا عمر آخوند ده ملیون دالر جایزه تعیین گردیده بود، اما نامبرده در "خانه های امن" کراچی زندگی وبشکل مرموز در شفاخانه های آن شهر بقتل رسید و جلسات بخاطر تعیین اخلاف آن علنی وبا حضور صدها تن در پاکستان دایر گردید.

معمای اقامت و قتل سردسته شرارت پیشگان، تشت رسوایی پاکستان را از بام انداخته است و اکنون با کشته شدن ملا منصور در پاکستان، دیگر هیچ وجدان بیدار شک نخواهد داشت که پاکستان مرکز و دولت آنکشور حامی تروریسم می باشد. شانزده بار سفر ملا منصور به امارات متحده عربی و یکبار به ایران با پاسپورت رسی پاکستانی وبا نام جعلی، بیان عین واقعیت است که رهبر وحلقه دست اول رهبری طالبان نه تنها در پاکستان از مصئونیت کامل برای سازماندهی جنگ و حملات مرگبار تروریستی بر ضد ملت و مردم افغانستان برخوردار هستند، بلکه آنها درتبیانی مستقیم و تحت چترحمایتی آی اس آی برای ادامه فعالیت های تخریبکارانه برضد دولت، مردم و حاکمیت ملی افغانستان تدارکات مالی را ازطریق "کاریدور"،

بیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

امارات متحده عربی فراهم و سازماندهی نموده و مینمایند. (البته در این یادداشت پیرامون چگونگی قتل آنان بحث صورت نگرفته است.) زمانیکه اسامه و ملا منصور واجب القتل است، سزای میزبانان « مهربان » و حامیان چه خواهد بود؟ وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بخصوص انگلیس و امریکا به این سوال جواب بدهند !

پاکستان مرکز تروریسم بین المللی :

اسناد معتبر بین المللی از سازمان ملل متحد و تا وزارت های خارجه اعضای دایمی شورای امنیت (بخصوص وزارت خارجه امریکا)، سایر کشورها و مطبوعات جهانی گویای این حقیقت است که سرخ بسیاری از حوادث دهشتبار تروریستی از کابل، تابمبی، دارالسلام، چیچین، سینکیانگ و تا نیویارک به پاکستان گره میخورد. پاکستان مکان امن برای شرارت پیشه گان جهان گردیده و سردسته های سازمانهای تروریستی در «خانه های امن آی اس آی» مصروف طراحی عملیات و حملات دهشتبار میباشند و برای تعیین « رهبران » و نظم و نسق امور جلسات علنی و تا چندصد تن رادایر مینمایند. (همین اکنون ده ها سازمان تروریستی مشمول لیست سیاه سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا در پاکستان علنی فعال بوده و مورد حمایت آی اس آی قرار داشته، تسلیح و تجهیز میگردند .

پاکستان بچیث مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان:

تعداد مدارس، مراکز و « نهادهای خیره » در پاکستان که اندیشه های بنیادگرایانه اسلامی، کافرکشی ، سیف الاسلام، انتحار و قتل دگراندیشان را ترویج میدهند تا به ده ها هزار میرسد و اکثریت آنها یک توطئه توسط مولانا های خبیث آنکشور رهبری میشوند، زیر چتر محافظتی آی اس آی و بقایای اندیشه جنرال ضیا الحق در اردو قرار دارند.

پاکستان مرکز پرورش شرارت پیشگان شریر بین المللی :

طی چهل سال اخیر بیشتر از دوصدهزار تروریست عرب و عجم از کشورهای مختلف در مدرسه های تروریست سازی پاکستان پرورش یافته و رهبران سازمانهای تروریستی که برسر آنان جوایز تعیین گردیده، درین کشور کسب تجربه کرده اند (اسامه، ایمن الظواهری، ابوبکر بغدادی، ملا عمر، ملا منصور، ملا هیبت اله و ده ها تن دیگر در این ردیف قرار دارند و از امتیازات «خانه های امن آی.اس. آی» مستفید گردیده اند)

استخبارات نظامی پاکستان مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد :

در داخل و خارج پاکستان تعداد زیادی از شخصیت های معروف افغان توسط آی اس آی و یا بدستور اجیران آن بقتل رسیده اند، (پوهاند شمس الدین مجروح، چیترایی، غروال، عبدالحکیم کنوازی و ده ها

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تن دیگر. اکنون دیگر حضور جنرال اسلم بیگ در شب شهادت داکترنجیب الله رئیس جمهور اسبق یک راز نمیباشد. در چند سال اخیر آنعده رهبران طالبان که خط قرمز اصول مافیایی روابط (آی اس آی. طالبان) را نقض کرده اند، زندانی و به اشکال مرموز بقتل رسیده اند.

دولت پاکستان واجبران آن جرایم سنگین را درافغانستان مرتکب شده اند:

درین مدت تداوم جنگ اعلام نا شده، پاکستان عامل اولی واساسی تراژیدی خونبار افغانستان می باشد، مداخلات آنکشور دلیل وهبانه مداخلات نظامی شرق وغرب پنداشته میشود.

درین چهاردهه ملیون ها هموطن ما نابود، معلول، معیوب، یتیم وبیوه گردیده اند و ده ها ملیارد دالر بکشور ما خسارت رسیده ومناطق زیاد تخریب ویا مانند پایتخت به تل خاک مبدل گردیده است. غنایم و آثار ملی وتاریخی تاراج و یا مانند بت های بامیان تخریب گردیده است

. تاسیسات دولتی و اردوی ملی افغانستان نابود گردیده است.

جنایات ضد بشری، جنایات جنگی، نقض حقوق بشرو قتل وکشتار اهالی ملکی دوام دارد. درچند ماه گذشته هر روز در افغانستان فاجعه کریلا، صبراً وشطیلا برپا است.

از قرار معلوم پاکستان در ولایات ننگرهار وپکتیکا در اینطرف خط نامنهاد دیورند مراکز عسکری ایجاد کرده است.

تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان مانع اصلی گذار کشور ما به شاهراه ترقی می باشد. در برابر اینهمه جنایات، تجاوز وتشدید جنگ اعلام ناشده چه میتوان کرد؟

ختم جنگ اعلام نا شده ودستیابی به صلح با تگدی بدست نی آید و چنانچه گفته اند: حق داده نمیشود، حق گرفته میشود.

افغانستان قربانی تجاوز وتشدید جنگ اعلام نا شده بی پاکستان :

مطابق به احکام منشور سازمان ملل متحد « دولت قربانی باید اعلام نماید که مورد تجاوز قرار گرفته است »

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بدینرو دولت افغانستان باید بمثابه کشور قریانی اعمال پاکستان، هرچه عاجل دوسیه جنایات ناشی از جنگ اعلام نا شده آنکشور دروجود طالبان وشرکای شانرا تنظیم وبه شورای امنیت س.م.م و دیوان عدالت بین المللی ارجاع نماید.

دولت باید به شورای امنیت پیشنهاد نماید تا: به اساس اصول منشور م. م. اصل (united nations sancations) را مطابق احکام فصل هفتم منشور ملل متحد و بر اساس اصل « تهدید صلح ، نقض صلح و عمل تجاوز » در مورد پاکستان بررسی و تطبیق نماید تا پاکستان بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریسم برطبق اصل (Legal Settlement Sancation) مورد تعزیرات بین المللی قرار گیرد. این تعزیرات باید شامل قطع کمکهای نظامی و مشروط ساختن مجموع کمکها به نابودی تروریستان و تحقق اصول و پرنسیپ های جهانی و قبول شده بی حقوق بین المللی گردد .

مراکزسلاح اتومی پاکستان منبع خطرناک تهدید جهانی :

در احوالی که پاکستان مرکزشرارت بین المللی است وخطرناکترین سردسته ها وسازمانهای مخوف تروریستی و دشمنان تمدن بشری در ارتباط تنگاتنگ با اردو وآی اس آی فعال میباشند ودولت سابقه جرمی دولت پاکستان درنقض موافقت نامه (N . P . T) که پدر بمب اتومی آنکشور عندالمحاكمه بدان اعتراف نمود ، بسیار ضرور است تا شورای امنیت سازمان ملل متحد بخاطر نظارت و تحت پوشش قراردادن فعالیت اتومی پاکستان اقدام نماید .

وظایف دشوار، اما بسیار ضروری ومبرم :

دولت باید با سازمان ناتو وکشورهای انگلستان وایالات متحده امریکا که تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان معلول سیاست های کجدار ومریز آنان است و براساس پیمانهای ستراتیژیک، مکلف به دفاع قاطع می باشند، مذاکرات سازنده را آغاز نمایند. تداوم تراژیدی خونبار افغانستان مسئولیت اخلاقی (Moralobligation) آنان راکه در قبال افغانستان اظهرمن الشمس میباشد، با سوالیه بزرگ مواجه ساخته است؟ مسئولیت جانب امریکا در قبال تراژیدی خونبار مردم ما در استغاثه سناتوران وسخنان قیل از انتخابات دولتمردان ، ویا هر چند سال کشتن یک سردسته تروریستان خلاصه نمیشود (که کفاره اعمال انتقامجویانه را مردم بی گناه وبی دفاع با خون فرزندان شان پردازند). افغانان باید صداقت گفتار، درمبارزه با تروریسم را(لاقبل بخاطرانتقام خون دوهزار وپنجصد سربازشان) درسروکوب قاطع آنان در مراکز اصلی شان (پاکستان) مشاهده نمایند.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

دولت باید با کشورهای اتحادیه اروپا، حقایق قربان شدن افغانستان را مطرح و در جلب همنوایی آنان تلاش وسیع انجام دهد.

بسیار ضرور است تا دولت کار وسیع را با اعضای دایمی شورای امنیت، همسایگان و قدرتهای بزرگ منطقه مانند چین، روسیه و هندوستان دنبال و در رابطه به مسایل جاری افغانستان و بحث بر عواقب زیانبار استفاده ابزاری از گروه های دهشت افکن بخاطر مقاصد جیوپولوتیک و تشدید جنگ های نیابتی، سازماندهی نماید.

آیا دولت افغانستان توانایی انجام این رسالت تاریخی را دارد؟

پاشنه آشیل افغانستان ضعف اقتدار ملی است. "مردم بزرگ" که بار طولانی ترین جنگ تاریخ را متحمل گردیده اند، با "رهبران کوچک" مواجه می باشند، رهبرانیکه به مردم باور ندارند و فراموش کرده اند که: د خلکوزور، دخدای زوردی و از تشخیص مصالح کشور و منافع ملی عاجز می باشند و درگیر و دار تقسیم « قدرت » بوده و قوای مسلح را درین مقطع حساس بحساب قوم و گروپ تقسیم مینمایند که کفاره آنرا سربازان قهرمان و هموطنان مظلوم با خون شان میپردازند و پای دشمن سفاک را تا مقر پارلمان، شفاخانه چهارصد بستر و قول اردوی ولایت بلخ رسانیده اند.

رهبران دولت وحدت ملی که پای شان در ترازوی مشروعیت می لنگد، بخاطر جبران این نقیصه باید برای کسب و جاهت ملی تلاش نمایند. این وجاهت فقط و فقط با جنگ زدن به منافع ملی و دفاع قاطع از وطن و جان و ناموس مردم بدست میآید. دستیابی به این مأمول زمانی سراب نخواهد بود که قانون را ملاک عمل قرار بدهند، استقرار حاکمیت قانون یگانه راه تحکیم قدرت دولتی پنداشته شود.

این هدف بزرگ فقط با پشتیبانی مردم ممکن خواهد بود و برای کسب کمک مردم باید تعریف دقیق از منافع ملی با شناخت از جیوپولیتیسیم بین المللی و منطقه داشته باشیم و بر مبنای همین تعریف استرژیک امنیت ملی و چگونگی مقابله در برابر پاکستان را مشخص بسازیم و «منشور مقابله با پاکستان» را در دایره کلان ملی تدوین نماییم. دستیابی به این مأمول شریف ملی از ما می طلبد تا مصالح کلان کشوری را فدای بازی های خورد پولیستی و پیش کشیدن شعارهای غیرعملی ویا انگیزه های قومی، نه نماییم.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

در همچو حالت یک دولت کارا میتواند با دیپلوماسی فعال بحیث پارتیز در سطح بین المللی و منطقه، منافع افغانستان را دفاع و پاکستان نیز با عزم و احتیاط حرفش را تحویل بگیرد .

چنین دولت که کارا خواهد بود در برابر مخالفان مسلح برخورد دقیق را در وجود یک سند تقنینی که حالت حقوقی افراد و گروپ های مسلح که به پروسه صلح میپیوندند ، تنظیم و مطابق آن برای صلح بحیث هدف والای ستراتیژیک اقدام نماید .

داعیه بی ملی :

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با نظر داشت این واقعیت که افغانان قلب مشترک (وطن مشترک) دارند، با مراجعه به هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی ومدافعان وطن ومردم صمیمانه میخواهد تا در دفاع از هست وبود وطن، صدای اعتراض شانرا در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و ازین داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظرداشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدیولوژیک وسلیقه ها، دفاع وبه جهانیان ثابت نمایند که وطن وسرزمین افغانان عمق ستراتیژیک پاکستان ومیدان جنگ های نیابتی نه بلکه همسایه متساوی الحقوق ونیک میباشد .

با احترام هیئت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

Mullah Mansour, leader of Taliban

۲۰۱۶-۰۶-۱۲

Pakistan – Violator of UN Charter, Haven and Supporter of Terrorism, and a Pillar of International Viciousness:

As an “unnatural” country, and a creation of the colonial strategies, Pakistan has always been a cause of conflict and turbulence during the entire period of its existence. It has always sought the secret of its survival in stirring internal disturbances and conflicts within its neighboring countries. It especially acquired such and evil stance after the military coup of 1979, when it became the main ring in the “green belt”, put on the “masque of Islamic republic”, started training, equipping and arming terrorist groups. It has systematically used terrorism as an instrument of its foreign policy.

Afghanistan has fallen a victim of the conspiracies of Islamabad from the very beginning of the misfortunate birth of Pakistan (which had already joined the aggressive military pacts), and particularly became target of an undeclared war after the establishment of the republic of 1973, which is still going on.

Ever since the very establishment of the first republic till the moment, the undeclared war of Pakistan has continued in various methods and different roles, from training, arming and exporting subversive elements, to serving as a “jumping board” during the climax of the cold war, the conspiracy of forming a confederation, and the factional fights of the 90s. Likewise, starting from the past one and a half decade, the military-intelligence apparatus of Pakistan has been striving hard to exercise direct control via the Taliban with a view to reaching the strategic depth, and destabilizing and weakening Afghanistan which still continues. (Introduction of proof for these shining facts will be the same like proving “devil’s infidelity” which is needless to be proven).

Pakistan – violator of UN Charter and international commitments:

The contemporary international order is inspired by and based on an accepted principle of the international law (“*Pacta Sunt Servanda*” – agreements must be kept), which the UN member countries are obliged to observe. However, in practice the Pakistani government has never honored its commitments against the international community. It has so far generally failed to fulfil its commitments against Afghanistan, and particularly after the conclusion of the Geneva Accords of 1988. On one hand, Pakistan is a UN member country, and on the other hand it recklessly beaches the UN Charter and other accepted principles of the international law. Pakistan is a member of the international community, but terrorists are exported to the world from the soil of that country. Pakistan is a “strategic partner” of America, but it still continues an undeclared war against another country (Afghanistan) which is also in a coalition with America. Hence, the Moral Obligation of the government and the leaders of Pakistan has seriously come under question!

Isn't this questionable:

- That during the past fifteen years of presence of America and the NATO in Afghanistan, billions of dollars have been acquired by Pakistan under the name of cooperation in the fight against “terrorism”, while the leaders and the bases of terrorist organizations are active within the territory of that country.
- That America invaded Afghanistan because of Osama bin-Laden, the ring leader of al-Qaeda villains, but some years later, the man showed up Islamabad.
- That America announced a head-price of 10 million dollars for Mullah Mohammad Omar Akhund, but it was revealed that the said person resided in “the safe homes” in Karachi, and was mysteriously murdered in the hospitals of that city. The meetings to choose his successors were publicly held, and attended by hundreds in Pakistan.

The enigma of the stay and murder of the leader of the villains displayed a scandalous ignominy for Pakistan. And now, with the murder of Mullah Mansour in Pakistan no vigilant conscience can doubt anymore that Pakistan is the center, and its leaders are supporters of terrorism. The fact that Mullah Mansour made sixteen trips to the United Arab Emirates and one to Iran with official Pakistani passport and with a false name is a solid evidence in itself that the leader and the first leadership ring of the Taliban are not only enjoying full immunity in Pakistan enabling them to carry on fight and bloody terrorist attacks against the people of Afghanistan, but being in collusion and under direct protection umbrella of the ISI continue subversive activities against the state, people and national sovereignty of Afghanistan, the financial arrangements of which are supplied via the "corridor" of the United Arab Emirates.

When Osama and Mullah Mansour are regarded as death-deserving, then what shall be the punishment for their "kind" hosts and protectors?

The time has arrived for the international community, and especially the Britain and America to answer this question!

Pakistan – a safe haven for international terrorism:

Credible international documents, including those in the UN and the foreign services of the permanent members of the UN Security Council (particularly the US State Department), and other countries and international media clearly reveal the fact that most of the horrible terrorist incidents – from Kabul to Mumbai, Jerusalem, Chechnya, Sinkiang, New York, etc. find their origin in Pakistan. Pakistan has turned into a safe haven for all the villainous forces of the world, where leaders of the terrorist organizations, while residing in "the safe homes of ISI", are engaged in planning terrorist attacks and operations, making arrangements for holding public meetings for many hundreds to select their "leaders". (At present, hundreds of terrorist organizations that are included in the black list the United Nations and the US State

Department, are openly active in Pakistan, and are being supported, armed and equipped by ISI).

Pakistan – center of fostering concept of suicide and killing political opponents:

The number of madrassas, “charity centers and organizations” that are engaged in spreading the ideas of Islamic fundamentalism, killing non-Muslims, *Saif-ul-Islam* (sword of Islam), suicide and killing political opponents exceeds tens of thousands, most of which are led by the evil clergymen of that country who carry their activities under the protective umbrella of ISI, the remnants of Gen. Zia ul Haq, and the army.

Pakistan – a training center of international evil-doers:

During the past forty years, more than two hundred thousand Arab and non-Arab terrorists from various countries have been trained in the terrorist-producing furnaces of Pakistan, and the leaders of terrorist organizations, with rewards announced for their heads, have gained experience in this country (Osama, Ayman al-Zawahiri, Abu-Bakr Baghdadi, Mullah Omar, Mullah Mansour, Mullah Haibatullah, and tens of others are among them who enjoyed the privilege of being sheltered in the “safe homes” of ISI).

Military intelligence of Pakistan bears responsibility of murder and terror of Afghans:

A large number of prominent Afghan personalities have been assassinated, inside or outside Pakistan by ISI, or its mercenaries (Prof. Shamsuddin Majrooh, Chinzai, Gharwal, Katawazi, and tens of others). The presence of Gen. Aslam Beg in the night of martyrdom of Dr. Najibullah, the former president of Afghanistan is no more a secret. In recent years, those Taliban leaders who crossed the red line of mafia principle in ISI-Taliban relations were imprisoned and murdered mysteriously.

Pakistani government and its mercenaries committed serious crimes in Afghanistan:

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

- Pakistan, during the period of continuation of the undeclared war, has been the first and fundamental factor behind the bloody tragedy of Afghanistan. Interferences of this country are considered the reason and excuse for the interventions of the east and the west in Afghanistan.
- During the past four decades, millions of our compatriots have been martyred, disabled, orphaned or widowed; tens of millions of dollars of loss has been inflicted on our country, many areas have been destroyed and razed to ground, including the capital of the country.
- The wealth and historical monuments have been plundered or destructed, such as the Bamyán statue.
- Government establishments and the national army were destroyed.
- Crimes against humanity, war crimes, violation of human rights and murdering civilians are continuing.
- Since some months, everyday Afghanistan experiences Karbala, Sabra and Shatila.
- As per the information, Pakistan has erected military establishments in this side of so-called Durand line in Ningarhar and Paktika provinces.
- Continuation of aggravation of undeclared war of Pakistan is the main hindrance of our country's transition to the path of development.

What can be done against all these crimes, aggression and the aggravation of undeclared war?

Putting an end to the undeclared war and attaining peace cannot be achieved through beggary. As a saying says: **right is not given, it is taken!**

Afghanistan – a victim of aggression and aggravation of the undeclared war of Pakistan:

As per the Charter of the United Nations “the victim country must declare that it has been subjected to aggression”. Therefore, as a victim of the actions of Pakistan, the government of Afghanistan must, as urgently as possible, arrange the dossier of the crimes of Pakistan emanated from its undeclared war which is carried through the Taliban and their partners, and forward it to:

- The UN Security Council and the International Court of Justice.

The government of Afghanistan shall propose to the Security Council that:

As per the provisions of the UN Charter, to consider and implement the principle of “United Nations Sanctions” as provided for in chapter seven of the UN Charter in regard to Pakistan as an “action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression” in order to subject Pakistan, as a supporter of international terrorism, to international sanctions in accordance with the principle of “Legal Settlement Sanctions”. Such sanctions must include stoppage of military aid, and connecting all assistances to the elimination of terrorists and the observance of all the internationally accepted principle of the international law.

Pakistani nuclear sites – sources of serious international threat:

In a situation where Pakistan is the center of international villainy, and the most dangerous leaders and horrible terrorist organizations and enemies of human civilization are active there with close connection with its army and the ISI, and while that country has the precedence of neglecting the (T.P.N.) agreement (as admitted by the father of nuclear bomb of Pakistan during his trial), it is very necessary that the UN Security Council takes measures for the supervision and covering the nuclear activity of Pakistan.

Difficult, but extremely vital duties:

- The Afghan government needs to start constructive negotiations with the NATO, the UK and the US, as the aggravation of the undeclared war is the outcome of their negligent and uncertain policies, and who are duty-bound to decisive defense in accordance with the Strategic Accord. Continuation of the bloody tragedy of Afghanistan seriously questions their moral legitimacy.

The responsibility of America verses the tragedy of Afghanistan cannot be fulfilled only with the cries of senators or the pre-elections words of the statesmen, or the murder in some years of a leader of the terrorists (the price of the subsequent acts of vengeance for which is paid by our innocent and defenseless people with the blood of their children). Afghans need to see honesty in the fight against terrorists, in categorically smashing them up in their original birthplace (Pakistan).

- The Afghan government must propound the facts about the victimization of Afghanistan with member countries of European Union and make vast efforts to secure their support.
- It is much vital that the government maintain all-round contacts with the neighboring countries and regional powers such as China, Russia and India and

propose an urgent meeting of these countries in regard with the current issues of Afghanistan.

Is Afghan government capable of carrying on this historic mission?

The Achilles heel of Afghanistan is its weak national management. A “great people” who bore the burden of the longest war of the history confront “small leaders”, leaders who do not trust the people, and have forgotten that “the power of people is the power of God”, leaders who are incapable of identifying the national interests and what is good for the country; they are deeply engaged in the strife of “power” division, and division of the armed forces of the country, in the current sensitive moment, in ethnic and factional lines.

The leaders of the national unity government, who suffer from the questionability of their legitimacy, need to make efforts towards attaining national credibility to compensate this shortcoming. Such a credibility can only be achieved via grasping the national interests, and crucially defending the homeland, lives and honor of the people. Attaining this goal will not be a mirage anymore when the deeds are based on the law, and the rule of law is recognized as the only means of consolidation of state power.

Such a great ideal can only be materialized with the support of the people, and to achieve the support of the people, we need to have a clear definition of the national interests and a precise knowledge of international and regional geopolitics, devise the national security strategy and determine how to cope with Pakistan in the light of this definition. It is only through an active diplomacy that the Afghan government can defend the interests of Afghanistan as a partner in international and regional levels, and to compel Pakistan to listen to it with prudence and discretion.

Such a government shall be a competent one. It shall have a reasonable stance towards its opponents in the form a legislative document which shall define the legal status of

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

individuals and groups who join the peace process, and to strive for bringing about peace as a strategic goal.

The national cause:

The Afghan Lawyers' Association in Europe, mindful of the fact that all Afghans have a common heart (common homeland), respectfully calls upon all fellow countrymen inside and outside the country, the political, social and cultural entities, the civil society and the defenders of the homeland and the people to raise their cries of protest against the aggravation of the undeclared war of Pakistan, to champion this legitimate national cause of Afghanistan, regardless of any ethnic, religious, ideological and other differences, and to prove to the world that the homeland of the Afghans is not a strategic depth of Pakistan, but is an equal and a good neighbor of Pakistan.

With regards,

Leadership Board, the Afghan Lawyers' Association in Europe

اعلامیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پاکستان حامی تروریسم

پاکستان به حیث مرکز تروریسم، سالهاست که خطرات جدی را متوجه جهان ساخته است. نه تنها افغانستان از سال ۱۹۷۳ میلادی ببعد بزرگترین قربانی این مرکز تروریستی است، بلکه سرنخ حوادث

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تراژیدی ازنیویارک تا بمبئی واز دارالسلام تا یمن و روسیه، به شبکه های مرتبط به القاعده ارتباط داده شده است که رهبری آن درپاکستان مورد حمایت استخبارات ونظامیان آن کشور قرار دارد. قتل سردسته اراعیون القاعده (اسامه بن لادن) درحومه اسلام آباد (که به شیوه انتقام گیری طراز امریکایی انجام یافت)، یکباردیگر زمامداران مکار ودو رخ پاکستان را مجبور ساخت تا اعتراف نمایند که "شرمنده اند".

اکنون این سوال مطرح میگردد که اگر اسامه بن لادن واجب القتل است، پس میزبان حامیان ومدعوین آن مستوجب کدام مجازات باید باشند؟

در حالیکه سرنوشت افغانستان، حال و آتیه آن، صلح وامنیت منطقه وجهان مطرح است، بسیار ضروری پنداشته میشود تا ملل متحد این مسئله رامورد بررسی قرار بدهد که چرا پاکستان هم عضوملل متحد است وهم منشور آن موسسه را زیر پا میگذازد وبصورت متداوم تعهدات خویش را نقض مینماید؟ در حالیکه وفا به عهد واجرای تعهدات یک اصل قبول شده حقوق بین الملل پنداشته میشود (Pacta Sunt Servanda) در این ارتباط نه تنها مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) پاکستان مطرح است بلکه شورای امنیت ملل متحد باید براساس « تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» اصل (United Nations Sanctions) را در رابطه به پاکستان مورد بررسی قرار بدهد. بدین رو اکنون دیگر اظهرمن الشمس است که حمایت، مخفی کردن، تجهیز وتسلیح تروریستان توسط اردو واستخبارات نظامی دولت پاکستان قرار میگیرد. باید شورای امنیت موسسه ملل متحد بر وفق احکام منشور آن موسسه موضوع را بررسی وپاکستان را به حیث حامی تروریزم اعلام نماید، وواضح است که بر کشور حامی تروریزم برطبق اصل (Settlement Sanctions Legal) تعزیرات شدید را برآن کشور وضع ویرقرار نماید. این تعزیرات میتواند شامل قطع کمکهای نظامی به تعویق انداختن ومشروط ساختن کمکها وسایر تدابیر جدی باشد.

اعترافات بلند پایه گان پاکستان درعجزشان مبنی بر اعمال حاکمیت دولتی که باعث شرمنده گی آن کشور گردیده، این سوال رامطرح مینماید که شبکه تروریزم جهانی در پاکستان که با اردو واستخبارات (ISI) دارای روابط تنگاتنگ است با در نظر داشت سابقه جرمی پاکستان در نادیده انگاشتن کنوانسیون (N.P.T) درپخش واشاعه غیرقانونی تکنالوژی اتی توسط پدراتمی آن کشور(که عندالامحکمه بدان اعتراف کرد) ضرور پنداشته میشود تا:

شورای امنیت موسسه ملل متحد، دستگاه نظامی اتی پاکستان را در تحت پوشش نظارت بین المللی قرار بدهد.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

نباید سرنوشت یک کشور (افغانستان)، امنیت شهروندان جهان و صلح، قربانی سهل انگاریها گردد.

مدتهاست که بسیاری از زمامداران جهان و منجمله ایالات متحده امریکا از سیاستهای دوگانه و مزورانه پاکستان استغاثه دارند. اما کجاست که به سیاستهای کجدارومریز، بخصوص از جانب ایالات متحده امریکا در قبال این کشور، پایان داده شود. (ریشه تروریزم را درپاکستان آبیاری و شاخه بری آن در افغانستان و ازدیاد قوای نظامی تا سرحد یکصد و پنجاه هزار برضد تجاوز سازمان یافته در وجود طالبان از پاکستان «دوست و متحد انگلیس. امریکا» بسیار سوال برانگیز است)

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به حیث یک نهاد مسلکی و غیروابسته، از تمام افغانان اعم از شخصیت‌های علمی، فرهنگی، نهادهای مدنی، اجتماعی و سیاسی صمیمانه میخواهد که در این راستا به حیث یک داعیه ملی بالاتر از تعلقات قومی، زبانی، سمتی وایدولوژیک صدای اعتراض شان را مشترک و رساتر نمایند. انجمن از اعضا و مسئولین خود میخواهد که این اعلامیه را به لسانهای مختلف ترجمه و در اختیار موسسه ملل متحد و مطبوعات قرار دهند.

با احترام

پوهاند دوکتور غلام سخی مصئون

رئیس انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

پیام انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در کنفرانس سالانه جرگه افغانان مقیم در اروپا

مورخ ۲۳ اپریل ۲۰۱۷

شهر بیفرویک هالنند

۱۰ مارچ ۲۰۱۷

افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

تروریستان شریر بین المللی با حمله به بزرگترین شفاخانه کشور در شهر کابل، جنایت هولناک «جنگی»، «ضدبشری» و «علیه بشریت» را مرتکب و یکبار دیگر چهره سیاه، ننگین، زبون و جیون شانرا بمثابه

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

دشمنان انسان وانسانیت به نمایش گذاشتند.

در مطابقت با تمام معیارهای حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی ودینی، این بربریت و تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی ومدنی بوده وقتل انسانیت میباشد وباید بطور گسترده درمقیاس ملی وبین المللی مورد نفرت قرار گرفته وتدابیر عاجل بخاطر گرفتاری ومحاکمه جنایتکاران اتخاذ وسازماندهندگان ودولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج ومورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م) تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن وکنوانسیونهای چهارگانه ژنیو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و«از قبل پلان شده» صورت گرفته، در کتگوری «جنایات جنگی. ضد بشری وعلیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژنیو: «جنایات جنگی، شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات ودرگیری های جنگی میشوند وجنایات ضد بشری اعمال پر از قساوت برضد انسانها، کشتار گروهی وتعرض بر سلامت جسمی واخلاقی انسانان را احتوا مینماید.» ماده (۴۸) همین کنوانسیونها، ماده (۷) و (۸) دیوان جزایی بین المللی ومعیارهای هفت گانه صلیب سرخ بین المللی موارد چهارگانه را مشخص ساخته که شفاخانه ها به طریق اولی شامل آن میگردد وبی نیاز از اثبات است که حمله بر شفاخانه محمد داود خان با نقض «قانون و آداب جنگ»، افراد بی دفاع، مریض، زخمی وناتوان را هدف قرار داده است.

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت وجرایم جنگی وضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل ودولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت ومجروحیت ده ها هموطن عزیز بشمول بهترین سرمایه های علمی ومعنوی دکتوران گردیده وانسانیت بقتل رسیده است، چه میتوان کرد؟

با تقبیح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه استدعای قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد ؟

هشداروزیهار!!! ای ملت از برای خدا هوشیار شوید!!!

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز گوسپندان دیگر خیره دراومینگرند

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطان‌ی محورهای شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو و جهانخواور، دور جدید بازیهای بزرگ و مسابقه جیوپولوتیک نیابتی، منطقه بی و جهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابة ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حقوق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار موادمخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرار گیرد؛ مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی « اسلامی » و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابة دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نضرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتلین قوم و مذهب ندارند و دشمنان تمام مذاهب و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان میباشند.

این مصیبت ملی را باید به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادروطن، وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده واضح میباشد، اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدارملی، و جاهت اعتبار ملی یک سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک وزارت های قوای مسلح مستعفی و مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی آنرا نموده اند، مشخص گردد.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

یک دولت کارا، دستگاه دیپلوماسی مسول فعال باید رسالت دفاع و داد خواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و به شورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

اکنون از کفرالیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و به برکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روز تاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور، گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکلات نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت آمریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقوی و حمایت و تقویه تروریزم بین المللی، موثرتر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشورومتکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement.

sancatio - مورد تعزیرات قرار گرفته و به حیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا چرا تطبیق نمیگردد . بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگردد ، (کان لم یکن) پنداشته میشود.

Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد. این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتژیک دارد و توسط متحد "پیمانکار" آن سلاخی میگردد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژییدی خونبار مردم به عزا نشسته ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم به خاطر دفاع از حقوق مردم اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت هیأت اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

War Crimes and Crimes against Humanity in Kunduz

Recently, as a result of the aggravated undeclared war and conspiracies by Pakistan, and the collapse of the state rule in Kunduz, another bloody page has been added to the tragedy of Afghanistan.

The human tragedy that took place in Kunduz and which still continues to exist, includes various forms of the most shocking crimes resulting in a national calamity. It, once again, displayed to the world the filthy, inhuman and anti-Islamic faces of the international evil doers,

including DAISH and Taliban as the most villainous murderers of the man, who strive to shove back Afghanistan to the Stone Age.

The crimes committed in Kunduz fall in the category of war crimes and crimes against humanity, which can be summed up as following:

- Slaughter of innocent civilians, political assassinations, killing of prisoners, violating the honor of people, plundering the public property, and destruction of public and private buildings.
- Toppling the government administration with the help of the internal conspiracies, facilitating the jailbreak of more than 700 prisoners, including Taliban terrorists and other dangerous criminals, employing the irresponsible gunmen, militia and *Arbaki* fighters and prison escapees and fugitives to commit those crimes.
- Bombardment of the hospital of the Doctors without Borders against all the accepted principles of the international law was still another unfortunate incident that has added to the grievances of the already mournful people of ours.

All the afore mentioned crimes can be described and categorized as war crimes and crimes against humanity in accordance with international law and principles.

These crimes have been elucidated by the four Geneva Contentions (12 August 1949), according to which:

“War crimes include grave breaches of human rights in armed conflicts and crimes against humanity, torture or inhuman treatment, massacre, political assassinations and willfully causing serious injury to the body or morality of human beings.”

There are instruments of International Law, from the Hague Convention to the statutes of the courts of Nuremburg and Tokyo, and in the last decade of the past century in Rwanda, former Yugoslavia, and the Statute of the International Criminal Court that can be used as the bases for the argument.

For the first time during the decades-long war in Afghanistan, a hospital with the international nature (the location of which already existed in their registration) was willfully targeted by a planned air strike. Even the warnings by staff of the hospital, which were directly relayed to them, were ignored.

While admitting the commission of crime, the American side desperately strives to justify the crime (the remarks of Gen. Campbell, the chief commander of American forces about the gathering of Taliban in the hospital and the request by the Afghan side, can be nothing but a justification worse than the crime itself).

Article (48) of the Geneva Convention that provides for the distinction between civilian and military targets, and likewise, the articles (7) and (8) of the Statute of the International Criminal Court which indicate the four occasions (refraining from targeting peacekeeping forces, humanitarian aid agencies, defenseless vulnerable persons, and civilians), the seven principles of the International Red Cross in similar circumstances assign the legal and moral commitment to the military forces of America, and hence, the perpetration of the war crime by the servicemen of that country is brighter than the sun.

In all the afore-mentioned occasions, a legal liability can be assigned to persons or states. Unfortunately, however, the implementation of justice and bringing the criminals to justice and court is a difficult task, because:

In internal dimension: a weak government and an inefficient judiciary, the ethnic and factional nature of the law enforcement organs, and ...

In external dimension: a paralyzed foreign ministry and a chaotic foreign policy are the main causes of the failure of the current weak government to refer the evidences of the Pakistani invasion, the war crime of the American military men, and the crimes of the multinational villainous elements to the UN General Assembly, the International Criminal Court and other concerned international authorities.

The American government rejected the membership of the International Criminal Court, and furthermore, the servicemen of that country have been granted the privilege of judicial immunity by the security and strategic accords of that country with Afghanistan.

On the basis of its professional commitment, and with a view to defending the mourning people of Afghanistan, the Afghan Lawyers' Association in Europe is determined to spare no possible effort for unmasking the faces of the perpetrators of the afore mentioned criminal acts, and come up with the following points aimed at reviewing those circumstances, and the possible prosecution of those who committed war crimes and crimes against humanity:

- Formation of a fact-finding body under the UN auspices to review the accusations against the American military men, and the participation of the officers of the ISI and the international villains such as Taliban, DAISH and local gangsters;
- Identification of the perpetrators and their introduction to the judicial authorities;
- Demand for indemnification and its strict pursuance as a main agenda point;
- A strict demand on the part of the UN for the non-recurrence of the perpetration of the these crimes;

In the current pitiful situation, while Afghanistan is subjected to invasion and an aggravated non-declared war by Pakistan and a stormy influx of the horrible monsters of "Islamic"

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

radicalism, the painful fate of the country is determined by the regional and international geopolitical rivalries, but the state continues to be incapable of exercising its national sovereignty.

The Afghan Lawyers' Association in Europe sincerely calls upon the civil society, the patriotic social, political and cultural entities, champions of human rights, media and social networks to consider the defense of the blood stained body of the motherland and the mourning people of Afghanistan as their national cause irrespective of their ethnic, regional ... differences, and to act to this end with unity and a spirit of serving the people and the country.

With regards,

Executive Board,

Afghan Lawyers' Association in Europe

قلب افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

چهارشنبه ۳۱ می ۲۰۱۷

تروریستان شریر بین المللی به تعقیب جنایات قبلی شان بخاطر اثبات نامسلمان بودن شان ماه عبادت و طهارت روزه را با جنایت هولناک در ولایت خوست آغاز و با تداوم کشتار مردم مظلوم در سایر محلات، امروز باردیگر با جنایت هولناک تروریستی، کربلای خونبار را در شهر کابل تکرار و قلب حزین افغانستان به عزا نشسته را خونین و داغدار ساختند .

در مطابقت با تمام معیار های حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت، تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بمثابه جنایت دهشتبار «جنگی»، «ضد بشری» و «علیه بشریت» بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژینو: «جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید».

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل ودولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت ومجروحیت دهها هموطن عزیز که مرگ «انسانیت» به نمایش گذاشته میشود ومردم مظلوم ما از طبیعی ترین حق شان (حق حیات) محروم میگرددند، چه میتوان کرد؟

تقبیح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه با استدعای اصلاح قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد؟

هشدار و زینهار!!!

ای ملت از برای خدا هوشیار شوید!!!

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز

گوسپندان دیگر خیره در او مینگردند

کارد به استخوان رسیده ودشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامحقق میسازد. افغانستان در دایره شیطانی محورهای شرارت منطقه وجهان ودر گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو وجهانخور دورجدید بازهای بزرگ ومسابقه جیوپولیتیک ونیابتی منطقه یی وجهانی کماکان بخاک وخون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده ومرموز ومافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابه ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور واعمال حق حاکمیت ملی وحق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند، تا سرزمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

مواد مخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرارگیرد. مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی "اسلامی" و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده بی مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابه دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتل قوم و مذهب ندارد و دشمن تمام مذاهب و اقوام باهم برادر و برابر افغانستان میباشد.

تکرار مصیبت ملی نباید با تکرار عزای ملی جواب گفته شود. بخاطر دفاع از حق حیات و زندگی مردم، باید رمضان خونین و این چهارشنبه سیاه را به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادر وطن وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاق شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده، واضح میباشد. اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، و جاهت و اعتبار ملی سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیرتنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک «حکومت وحدت ملی» مورد استعجاب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی وقوع این فاجعه را نموده، مشخص گردد.

یک دولت کارا، دستگاه دیپلماتی مسول و فعال میتواند رسالت دفاع و دادخواهی از حقوق مردم و وطن را در مقیاس جهان مطرح و بشورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و ببرکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روزتاروز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور گسیل بیشتر عساکر امریکائی به افغانستان حلال مشکل نبوده

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

ونخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت آمریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقی و حمایت و تقویه تروریسم بین المللی، موثر تر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمشابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement sancation مورد تعزیرات قرار گرفته و بحیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت، طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا، چرا تطبیق نمیکردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگردد، (کان لم یکن) پنداشته میشود. Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد.

این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد و توسط متحد «پیمانکار» آن سلاخی میگردد. وقت آن رسیده است تا دولت های غربی با معیار و برخورد دوگانه با تعریف ترور و روریسم و تبعیض خون افغان، عراق و ... با شهروندان مانچستر، پاریس و ... وداع نمایند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم بخاطر دفاع از حقوق مردم و افغانستان که قربانی تروریسم است، اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تقبیح جنایت دهشت افغانانه تروریستی در شهرهای افغانستان

۱۴ جنوری ۲۰۱۷

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

افغانستان قربانی تروریسم بین المللی و تراژیدی خونبار آن معلول و محصل مدخله خارجی میباشد و بمثابه "قربانی تروریسم بین المللی"، کماکان آماج حملات دهشتبار تروریستان شریر بین المللی قرار دارد.

مراکز تمام باندهای دهشت افکن و شرارت پیشه اعم از طالبان و حقانی، القاعده، داعش و... در بیرون از افغانستان قرار دارند و این واقعیت که پاکستان نه تنها مرکز تروریسم بوده و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد، پیگر از کفر ابلیس معروفتر و سکانداران سازمان ملل متحد، کاخ سفید، اتحادیه اروپا و... بدان معترف میباشد.

متأسفانه دور جدید "بازهای بزرگ" و کشمکش های هولناک جیوپولوتیک رقبای بین المللی (امریکا، روسیه وچی) و جنگ های نیابتی قدرتهای رقیب منطقوی (پاکستان، هند، ایران و سعودی) و شرکای شان بازهم از مردم ما قربانی میگردد و افغانستان بخاک و خون کشانیده میشود. بدینترتیب ابتدایی ترین و اساسی ترین حق مردم که همانا «حق حیات» مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از آن است؛ در معرض نابودی قرار دارد. حوادث تروریستی در روزهای اخیر در بغلان (کارگران ذغال سنگ)، شهر کابل (کارمندان ملکی پارلمان)، قندهار و ننگرهار صدها شهروند ملکی را از حق حیات محروم و ماتم و مصیبت آفریده است.

مطابق به قواعد حقوق بین المللی (از کنوانسیون های لاهه ۱۸۸۹ م و ۱۹۰۷ م، کنوانسیون های چهار گانه ژینو ۱۹۴۹ م، اساسنامه دیوان بین المللی عدالت ۱۹۹۸ م... تمام این جنایات خونین و هولناک در ردیف: جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم ضدبشری تسجیل گردیده است. بشمول پاکستان تمام کشورهای که در ایجاد حمام خون در افغانستان سهیم میباشدند، اعضای سازمان ملل متحد بوده و متعهد به رعایت منشور ملل متحد کنوانسیون ها و مصوبات آن سازمان میباشدند. باید این سوال را مطرح نمود که چرا سازمان ملل متحد و اعضای دایمی شورای امنیت آن سازمان که مسوولیت اخلاقی شان درقبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهرن الشمس است، احساس مسوولیت ندارند؟ جامعه بین المللی در قبال افغانستان مسوولیت دارد و امریکا قرارداد به اصطلاح ستراتیژیک را، زیر پا مینماید. در چنین احوال و اوضاع مردم حق دارند، آنان را شریک قاتلان خود قلمداد نمایند. به تجربه ثابت گردیده است که حق داده نمیشود و سقوط ارزشها در مقیاس جهانی «دنیایی هابزی» را مستولی ساخته است؛ باید مردم و نهاد ها و سازمان های مدافع حقوق آنان متحدانه صدای اعتراض شانرا در دفاع از حق حیات وزندگی، حفظ و سلامت کشور و حق گذار آن به شاهراه صلح و ترقی بلند نمایند.

با احترام

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بازهم جنایت جنگی و ضد بشری

۷ فبروری ۲۰۱۷

در حالیکه مردم به عزا نشسته افغانستان در برفباری های اخیر متحمل تلفات زیاد گردیده و سوگوار میباشند، شرارت پیشه گان تروریست و قاتل بازهم جنایت هولناک آفریدند و در بعد از ظهر امروز برای چندمین بار کارمندان ستره محکمه را آماج حملات ضد انسانی ددمنشانه قرارداده و باعث شهادت (بیشتر از بیست تن) و مجروحیت تا پنجاه هموطن عزیز ما گردیدند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه روح شهدا را شاد میخواهد، نفرت و انزجار شدید خود را به عوامل وحشی و دشمنان انسان و انسانیت ابراز میدارد.

بی نیاز از اثبات است که وقوع این جنایت خونین بطبق تمام معیارهای قبول شده بین المللی، از کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷ م) و اساسنامه های نورنبرگ و دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیون های چهارگانه ژینو (۱۹۴۵ م) در ردیف جنایت جنگی ضد بشری و نایت علیه بشریت تعریف گردیده و باید عوامل جنایتکار و سازماندهندگان داخلی، منطقه بی و بین المللی مشخص و به محاکمه کشانیده شوند.

در حالیکه براساس گزارش جدید سازمان ملل متحد، حجم جنایات و کشتار اهالی ملکی روزتاروز زیاد گردیده اس؛ جامعه جهانی و بخصوص اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد در حالیکه مسولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان اظهر من الشمس است با سیاست های کجدار و مریز در نقش شرکای قاتلان مردم ما عمل مینمایند. در چنین احوال غم انگیز انجمن حقوقدانان افغان در اروپا از

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تمام مدافعان حقوق مردم، جامعه مدنی و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میخواهد که بدفاع از حق حیات شهروندان افغان و برضد تروریستان سفاک طالب و داعش و شرکای جرمی شان صدایی اعتراضی شان را رساتر نمایند.

با احترام

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان

۴ اسد ۱۳۹۶ مطابق ۲۶ جولای ۲۰۱۷

حوادث خونین در چند روز اخیر که همزمان با گسترش جنگ اعلام ناشده پاکستان در مناطق مختلف افغانستان، به تعقیب رمضان خونین ادامه دارد، نمایانگر آغاز فصل جدید خون و آتش و تداوم جنایات علیه بشریت در افغانستان میباشد.

شرارت پیشه گان تروریست با راه اندازی حوادث هولناک خونین در بدخشان، فاریاب، غور، قندهار، هلمند و کابل و ... بر اوراق سیاه جنایات ضد انسانی و ضد اسلامی شان افزودند، کشتار ددمنشانه مریضان داخل بستر و داکتران در شفاخانه ملکی ولسوالی تیوره و انجنیران جوان وزارت معادن و پترولیم توسط طالبان که «بشکل هدفمند» و از «قبل پلان شده» صورت گرفته و همچنان بمبارد قوای نظامی هوایی امریکا که منجر به شهادت سربازان افغان گردیده است، مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، در تحت عنوان «جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری به یک واقعیت غیرقابل انکار مبدل گردیده است، موارد الزام بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی تروریستان، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تداوم روزمره جنایات هولناک ضد بشری که در یک بازی بسیار پیچیده استخبارات بیرونی انجام می‌آید، حوادث خونبار را به پروسه های خونین مبدل و نوعی اعتیاد بخون و قربانی را بر مردم به عزا نشسته ما، تحمیل مینماید.

پاشنه آشیل افغانستان و عامل جنگ و خونریزی در بعد داخلی آن فقدان یک دولت ملی و مقتدر و در بعد بیرونی تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان و دسایس ایران و جنگهای نیابتی رقبا می‌باشد که مجموع آن با اهداف جیوپولوتیک و سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس آبیاری میگردد. دولتمداران کنونی نیز با خموشی و دهان پر آب شان، با معامله و فریب از ارائه پاسخ در برابر ملت خود را کنار میزنند. عدم قاطعیت و عدم یک سیاست روشن در برابر دشمنان سفاک و فاقد وجدان انسانی دال بر آن است که دولت مداران کنونی افغانستان خود را از زیربار سیاست ها و اهداف فوق الذکر امریکا و انگلیس بیرون نساخته و نمیسازند. در واقعیت اینان خود بحیث یکی از عوامل بازی پیچیده در کشور ما مبدل گردیده اند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا که با نگرانی و تأثر عمیق حوادث افغانستان را تعقیب مینماید، از تمام نهادهای مدافع مردم و وطن صمیمانه متقاضی است تا در دفاع از حق حیات افغانان و حق گذار افغانستان به صلح، ثبات و شاهراه ترقی صدایی شانرا رساتر و متقربتر سازند و بخاطر دستیابی به این مأمول شریفانه موارد آتی را در سر خط کار شان قرار دهند :

- ابراز دوامدار نفرت در برابر ذهنیت مخوف تکفیری و تروریستان و شرارت پیشه گان و حامیان داخلی، منطقوی و بین المللی شان (تروریست قوم و مذهب ندارد و تروریسم دشمن مشترک تمام اقوام و مذاهب میباشد).

- دفاع از صلح بمثابه مقدمترین نیاز مردم و وطن: این مأمول باید اولویت مبرم دولت و جامعه بین المللی باشد و در غیر آن طرح وعده و وعیدها و صحبت از استراتژی جدید در امریکا، عوام فریبانه و یک سراب خواهد بود .

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

تقبیح حادثه تروریستی در برابر ژورنالستان تلویزیون طلوع

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه روح شهدای حادثه تروریستی امروز در شهر کابل را شاد میخوهد؛ عمیق ترین مراتب تاجر و تسلیت را بخانواده های شهدا، جامعه مدنی، ژورنالستان و مندسویان تلویزیون طلوع و مدافعان آزادی بیان و دموکراسی تقدیم داشته و برای مجروحان شفای عاجل و کامل استدعا میدارد.

انجمن با شدت و به شدیدترین الفاظ این حمله هدفمند پلان شده و عمدی را بر موثر کارمندان ملکی موبی گروپ تقبیح و نفرین بی پایان را به عاملان وحشی شرارت پیشه طالب که مسولیت این جنایت نا بخشودنی را عهده دار گردیده اند ابراز میدارد.

این دهشت و وحشت و تروریسم پلان شده و وارد شده از پاکستان که به تعقیب سروصدایی عقب گرایان اخلاف ملای لنگ در روز های اخیر انجام یافته است و دموکراسی نوپا و جلوگیری از رفتن افغانستان افغانستان بشاهراه ترقی پنداشته میشود تا جامعه را به تاریکی دلخواه شب پرستان و جهالت و ظلمت سوق داده و صدایی مردم بپا خاسته را خفه نمایند.

این جنایت هولناک مطابق احکام و قواعد حقوق بین المللی و میثاقهای جهانی از لاهه و تا کنوانسیون های چهار گانه ژینو و اساسنامه دیوان بین المللی جزای و در ردیف جنایت جنگی جنایت علیه بشریت و جنایات ضد بشری طرازبندی میگردد

بدینرو باید وزارت خارجه افغانستان طی یک اقدام عاجل موضوع را بشورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع و خواهان بررسی آن گردد.

همچنان با تاکید از سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا خواسته شود تا عاملین این جنایت را در فهرست سیاه شان شامل سازند.

از آنجاییکه طالبان مسولیت این جنایت را عهده دار گردیده و سخنگوی شان موضوع را از پاکستان به مطبوعات خبر داده است، دیگر جای شک وجود ندارد که حادثه تروریستی امروز در راستای تداوم

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنگ اعلام نا شده پاکستان وبخاطر ایجاد ترس ووحشت واستفاده ابزاری از ترور برای مقاصد سیاسی توسط سازمان آی اس آی صورت گرفته است

بدینرو دولت افغانستان موضوعرا غرض بررسی عاجل به کمیسیون چهارگانه ارجاع وتا اتخاذ تصمیم در زمیه مذاکرات به اصطلاح صلح را تعلیق نماید.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه به این حادثه غم انگیز وحوادث مشابه از تمام افغانان در داخل وخارج صمیمانه میخواهد تا بدون بهانه تراشی ها باچنگ زدن به وحدت و وفاق ملی صدایی اعتراض شانرا رساتر ومشترک سازند وبگوش جهانیان برسانند

افغانان آزاده وغیور که چهار دهه جنگ اعلام نا شده را متحمل گردیده اند کماکان همانند کوه های افغانستان پا برجا بوده واز حق کشورشان بخاطر گذار بشاهراه ترقی حراست مینمایند.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان دراروپا

باز هم قتل عام وتکرار جنایت جنگی وضد بشری

دشمنان آسایش بشریت که تحت عناوین مختلف، بمثابه ابزارکثیف ودهشتبار، در خدمت مراکز شرارت بین المللی قرار دارند، بازهم شهر کابل را به کریلا مبدل نمودند. تروریستان شریر ویزیدی داعشی با حمله انتحاری درمرکز مذهبی «باقرالعلوم» فاجعه بشری را بوجود آورده وهموطنان عزیز ملکی ما را بخاک وخون کشانیدند.

درحالیکه روح شهدا را شاد میخواهیم، عمیقترین مراتب نفرت وانزجار را به عاملان ددمنش این جنایت هولناک ابراز میداریم.

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

وقوع این جنایت ننگین به تعقیب حوادث خونین مشابه دیگر در مرکز و ولایات کشور؛ گشودن صفحه جدید و سیاه دیگر را در تراژیدی خونبار افغانستان به نمایش میگذارد و از پلان دشمنان تاریخی ما در جهت کشتن مردم در باطلاق جنگ های مذهبی و قومی پرده بر میدارد. متأسفانه افغانستان عزیز ما که طولانی ترین جنگ را متحمل گردیده است، در دور جدید «بلازهای بزرگ» و کشمکشهای جیوپولوتیک بین المللی و منطقوی، همچنان معروض به جنگ های نیابتی بازیگران متخاصم منطقه بی ایران و سعودی، قربانی میدهد و مردم به قیمت خون فرزندان شان کفاره آنرا میپردازن. این قتل عام اهالی ملکی بر طبق موازین معیار های قبول شده حقوق بین المللی؛ بحساب «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت»؛ باید مورد بررسی و مجرمان به محاکمه کشانیده شوند.

مقابله با این «سونامی» هولناک و حوادث خونین و غم انگیز فقط و فقط با بیداری و هوشیاری ما، اتحاد و اتفاق و چنگ زدن به وحدت ملی و برابری و برادری پیروان مذهب، میسر خواهد بود. باید در افشای عواملن وحشی داعشی و طالبی و حامیان و محرکان منطقه بی وجهانی آن صدایی اعتراض ما را رساتر و مشترک بسازیم و از «حق حیات» مردم به عزا نشسته افغان دفاع نماییم.

با احترام

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنایات طالبان در کشتار مسافران راه های مواصلاتی

دهشت افگنان طالبی در این اواخر در ادامه جنایات جنگی و ضد بشری شان، به شیوه های جدید انتقامگیری از مردمان ملکی وبی دفاع در مسیر جاده های مواصلاتی متوصل گردیده اند.

گروه های قصی القلب، جانی و فاقد وجدان انسانی طالبی که دیگر هیچگونه شک و تردیدی در وابسته گی مزدورانه شان با دستگاه شیاد و جهنی استخبارات نظامی پاکستان و ارتجاع منطقه وجود ندارد، در این اواخر با راه گیری و قطاع الطریق مسافران بی دفاع را با اسارت گرفته و تعداد شان را بدون کدام دلایل موجه بیرحمانه به قتل میسرسانند و تعداد دیگر را در اسارت نگه میدارند. این جنایت ضد انسانی در هفته

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

های اخیر به دفعات در جاده های مسیر بغلان، کندوز، تخار و بدخشان و همچنان کابل غزنی تکرار ارتکاب یافته اند.

طالبان میخواهند به این اعمال ضد انسانی شان که هیچ دلیلی از اصول و میانی دینی و شریعت اسلامی با آنها مطابقت ندارد، با این کشتار بیرحمانه اکنون عمداً و آگاهانه بر تشدید و عمیق ساختن مخاصمت های قومی و منطقوی نی متوصل میگردند که جز پیشبرد و تطبیق اهداف و برنامه های بیگانگان در ازمهم پاشی ملت بزرگ افغانستان، توجه دیگری ندارد.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا این جنایات جنگی ضد انسان و انسانیت و ضد ملت و مردم کشور را با شدید کلمات محکوم نموده و مراتب نفرت و انزجار خود را در برابر این جنایات نا بخشودنی ابراز مینماید. ما به قربانیان و شهدای این جنایات استدعای بهشت برین نموده خود را با غم و اندوه خانواده های قربانیان این حوادث شریک میدانیم.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا معتقد براین اصل است که هیچ عمل و جنایتی در برابر مردمان ملک، اسران جنگی و برضد ملت و وفاق ملی توجیه ندارد. عاملین مستقیم و پشت پرده آن، چه در وجود مزدوران طالبی و چه در وجود نکتائی پوشان در زیرچترارگ و ارگ نشینان و تعداد از سیاستبازان دیگر که با روپوش دموکراسی، با قلابی گیری به تحریک تضاد های قومی و زبانی مبادرت و اعمال ضد ملت و مردم طالبان عقب گراه را توجیه مینمایند، باید در برابر ملت پاسخگو باشند. اینان با یک اتحاد نامقدس پس پرده در ازمهم پاشیده گی مردمان کثیرالزبان و کثیر القومی و مذهبی افغانستان، با پروئی و گستاخانه آب به آسیاب دشمن اصلی ما یعنی استخبارات پاکستان و حامیان پشت پرده شان میزنند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا خواهان ردیابی و به کیفر رسانی عاملین این جنایات توسط اوگانهای عدلی و قضائی کشور بوده آرزومند است تا دولت افغانستان در سرکوب و دفع هر گونه اعمال مبنی بر تشدید و عمیق ساختن تضادهای قومی و زبانی قاطعانه عمل نموده و از آبیاری نمودن ریشه های این اعمال از کانالهای درون نظام جلوگیری نماید.

ما از تمامی نهاد های سیاسی و اجتماعی داخل کشور و بیرون مرزی تقاضا مینمائیم تا ضمن تقبیح این اعمال جنایت کارانه طالبان و سیاستبازان وابسته با طالبان در داخل نظام، با عمل مشترک هدفمندانه بر دولت

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

ناکارای به اصطلاح " وحدت ملی " فشار وارد نمایند تا در برابر طالبان، دستگاه جهانی پاکستان و عوامل تشدید تضادها و خصومت های قومی سیاست دقیق واضح را رویدست گیرد.

با احترام

هیأت اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

جنایتکاران داعشی این شریرترین و خبیث ترین دشمنان انسان و اسلام؛ یکبار دیگر با نمایش چهره کثیف و ضدانسانی شان و انجام جنایت هولناک، بیشتر از سی تن هموطنان عزیز و مظلوم و بی دفاع ما را در ولایت غور به شهادت رسانیده و مردم مستضعف را عزا دار ساختند.

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در حالیکه با شدیدترین الفاظ این جنایت مدهش قاتلان داعشی را تقیح مینماید، نفرت و انزجار عمیق خود را بر عاملان سفاک و دون همت تروریست، سازماندهندگان و حامیان آنان ابراز داشته و روح شهدا را شاد میخاهد.

اظهرمن الشمس است که وقوع این جنایت برطبق تمام معیارهای قبول شده حقوقی واز میثاق بین المللی لاهه و تا کنوانسیون های چهار گانه ژینو (می ۱۹۴۹ م.) در ردیف جنایت جنگی، ضد بشری و جنایت علیه بشریت تعریف میگردد و برطبق صراحت ماده ۷ اساسنامه دیوان جزای بین المللی، بمثابه «حمله گسترده» و «سازمان یافته» و قتل «جمعیت غیرنظامی»، عاملان آن بحیث جنایتکاران جنگی و عاملان جنایت علیه بشریت به محاکمه کشانیده شده و به سزای اعمال طاغوتی و ضد انسانی شان رسانیده شوند.

واضح است که دولت ضعیف و فقدان حاکمیت قانون و ضعف ارگانهای حراست حقوق عدلی و قضایی و افزون بر آنها سیاست های کجدار و مریز حامیان بین المللی دولت و بخصوص ایالات متحده امریکا و انگلیس و برخورد دو پهلو «مدافغان حقوق بشر» باعث گردیده تا تروریستان شریر و سفاک، گستاخانه تر عمل نمایند مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان که طولانی ترین جنگ را متحمل میگردند، کفاره آنرا به قیمت خون فرزندان شان پردازند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بازهم جنایت جنگی و فاجعه انسانی

یکشنبه ۷ نوامبر ۲۰۱۶

در دو حادثه خونین سوم نوامبر در کندر و فاریاب، باردیگر هموطنان عزیزما بخاک و خون کشانیده شده و بیشتر از چهل تن از اهالی ملکی بشمول اطفال نازنین به شهادت رسیدند. در فاریاب ۱۲ تن هموطنان ما در یک مراسم عروسی در اثر فیر یک راکت توسط طلبان ودر کندز سی تن از هموطنان ما در اثر پرتاب بم شهید گردیدند.

وقوع این جنایات هولناک و به تعقیب حوادث خونبار یکسال گذشته دکنز و اوجگیری بی سابقه فعالیت شرارت پیشه گان تروریست طالب و شرکای جرمی شان، صفحه خونین دیگر را بر آلام و مصایب جانکاه مردم به عزا نشست ایزاد نمود. بر طبق اخبار و گزارشات آژانس ها و مطبوعات افغانی و بین المللی، این کشتار افراد ملکی مطابق اسناد و معیارهای قبول شده حقوق بین المللی باید در ردیف « جنایت جنگی » مورد بررسی و محاکمه قرار گیرد. جنایت جنگی در کنوانسیون « لاهه » (۱۹۰۷) و در ورای اساسنامه نورنبرگ و منشور دادگاه نظامی بین المللی « لندن » (۱۹۴۵) و همچنان میثاقهای چهارگانه ژینو می (۱۹۴۹) (مواد اساسنامه دیوان جزایی بین المللی)؛ تعریف و مسجل گردیده است. در مطابقت با این اسناد: جنایت جنگی بر اعمالی مصداق دارد که در اثر نقض «قانون» جنگ و «آداب جنگی» منجر به ویرانی شهر، قریه و قصبه گردد و در هر حالت «هدف قرار دادن افراد ملکی در دوران جنگ» یک جنایت جنگی پنداشته

پیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

میشود و برای دفاع از حقوق بشر و صیانت حقوق انسانی، عاملان این فاجعه خونبار بشری باید بمثابه مجرمان جنگی مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد .

توضیحات متناقض وزارت دفاع افغانستان و قوماندان قوای نظامی امریکا در افغانستان (جنرال جان نیکلسون) در مورد حادثه کندز و دسایس طالبان که اهالی ملکی را سپر میسازند، نمیتواند وقوع جنایت جنگی را تبرئه نماید. بسیار ضرور است تا در دفاع از حقوق مردم مظلوم و مستضعف و مستمند، صدایی اعتراض خود را بلند نماییم و خواهان محاکمه و مجازات عاملان افغان، امریکایی، عرب و عجم گردیم . در همچو موارد خونبار که مردم بخاک و خون کشانیده میشود، تنها محکوم ساختن و اظهار تاسف دردی را دوا نمیکند. خون افغان باید معادل خون یک امریکایی باید حرمت گردد و به شیوه معمول پرداخت یک مشت پول و آتیم با نوعی تحقیر باید وداع گفته شود. باید جبران خساره واقعی و مواظبت و پرداخت مستمر برای فامیل ها مطرح و عملی گردد .

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

شهادت هموطنان عزیزما در ولایت زابل

عاملین جینوساید دشمنان بشریت

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا به شدید ترین الفاظ شهادت هفت هموطن عزیز ما را در ولایت زابل از جانب جنایتکاران داعشی بشدت محکوم مینماید .

این جنایت نفرت انگیز بر طبق میثاق بین المللی دسامبر ۱۹۴۸ در ردیف "جینوساید" قرار میگیرد و عاملان تهبکار که دشمنان انسان و انسانیت می باشند، بعد از ارتکاب جرم به اسارت گرفتن این وطنداران ما

بیامهای انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بحساب تعلق به قوم خاص (قوم شریف هزاره) و تحمیل شکنجه و عذاب شدید روانی به قتل و کشتار آنان مبادرت ورزیده و هفت هموطن عزیزما را به شهادت رسانیده اند.

واضح است که دولت ضعیف و فقیدان حاکمیت قانون میدان تاخت و تاز جنایتکاران بین الملل را مساعد ساخته و دشمنان تاریخی افغانستان تلاش دارند تا کشور را در آفت جنگ های قومی و مذهبی کشانیده و نمک های اضافی بر زخم خونین افغانستان بپاشند.

اهداف منشور ملل متحد :

- ۱- حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه های مسالمت آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین الملل:
 - ۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛
 - ۳- حصول همکاری بین المللی در حل مسائل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب؛ و
 - ۴- بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می دارند.
- ماده ۲- سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده اول بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

- ۱- سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد
- ۲- کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته اند با حسن نیت انجام خواهند داد.
- ۳- کلیه اعضاء اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیافتد، حل خواهند کرد.
- ۴- کلیه اعضاء در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری خواهند نمود.
- ۵- کلیه اعضاء در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می آورد خودداری خواهند نمود.

مراجعه نهاد های افغانی به محکمه جزایی بین
المللی بخاطر بررسی جرایم و جنایات علیه بشریت
در (افغانستان)

یادداشت :

متن انگلیسی سند انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در رابطه به بررسی جرایم بین المللی و جنایات جنگی و ضد بشری ، با همنوایی و تایید سازمانها و نهاد های گرامی آتی به صورت مشترک به سازمان ملل متحد ، محکمه جزایی بین المللی و سایر مراجع ذیربط بین المللی گسیل یافته است (البته هر نهاد محترم که با مندرجات این سند موافق باشند ، میتوانند ، همنوایی شانرا اعلام ، تا در فهرست نامه رسمی ایزاد گردد) :

شماره	نام نهاد
1	- اتحادیه حقوقدانان افغانستان (از داخل کشور برهبری جناب ...)
2	- د بهر میشتو افغانانو د پیوستون شورا (از استرالیا برهبری جناب دوکتور خالدی)
3	- شورای افغانان مقیم دنمارک (برهبری جناب هادی ابوی)
4	- په اروپا کی د افغانانو جرگه (برهبری جناب اصغر خیل منگل)
5	- همایش اروپایی زنان افغان (از جرمنی برهبری محترمه داکتر شفیقه رزمنده)
6	- جنبش آزادیبخش زنان افغانستان (از ایالات متحده امریکا برهبری محترمه شیرین نظری)
7	- مرکز توانمندی زنان (ECW) (از افغانستان)

8	- انجمن بانوان مهاجر
9	- بنیاد مساعدت راحله برای زن افغان
10	همبستگی، انجمن زنان افغان در هالند
11	انجمن کلتوری زنان افغان در هانور (Rahela Trust)
12	- انجمن اتحادیه های افغانان در سویدن (برهبری جناب نسیم سحر)
13	- اتحادیه انجمن های هالند (برهبری جناب ولی شاپور)
14	- مرکز آموزش حقوق بشر
15	- د افغان ژغ رادیو - تلویزیون (از دنمارک برهبری جناب یوسف هیوادوست)
16	- رادیو - تلویزیون وطن (از جرمنی برهبری جناب جمشید پایمرد)
17	- تلویزیون بهار (از ایالات متحده امریکا برهبری جناب اکرم حیدری جبارخیل)
18	- دوست آواز رادیو (از استرالیا برهبری جناب درمحمد آشنا)
19	- تلویزیون مهاجر: (مربوط شورای همبستگی مهاجران از استرالیا)
20	شورای انسجام انجمن دانشمندان و متخصصان افغان از اسپانیا برهبری جناب دوکتور حکمی
۲۱	- شورای سراسری زنان افغان در هالند
22	په اتریش کی دافغان ولس کلتوری ټولنه Afghan Wuals Kulturverein برهبری داکتر فضل الرحمن
23	انجمن بشردوستان افغان آسترالیا به رهبری درمحمد آشنا

دارالانشای انجمن حقوق دانان افغان در اروپا

Call for Action:

Afghanistan – Target of Crimes against Humanity

For many years, Afghanistan has turned into a land of horrific war crimes and crimes against humanity. In the current situation, our homeland is targeted by a new round of these ferocious crimes: the bloody tragedies of human rights in Logar province and at the Sayed ul Shuhada school in western Kabul are the recent occasions of these crimes. By inflicting organized and pre-planned group casualties on the civilian assembly centres, the terrorist factions commit heinous crimes, the victims of which are mostly young people and adolescents. Likewise, the loss of families in their homes due to the escalation of the war in Helmand is a new case in which defenceless civilians are still the most affected. Targeted killings of civil society employees, teachers and employees of the judiciary and justice entities, and dozens of other cases which should be investigated and prosecuted as war crimes and crimes against humanity in a fair trial of the International Criminal Court (ICC). Concealment, silence, veiling and neglect of these heinous crimes can severely undermine the importance and credibility of the international community and the International Criminal Court.

In accordance with all the international criteria, all legal standards, the accepted values of the civil and religious life, this barbarism is a violation of the highest human and civil values and is the murder of humanity. Attack on civil facilities, schools, hospitals, health centres, mosques, etc. and killing civilian population has been described as:

War crimes

The crimes against humanity

A crime against humanity

which should be widely hated nationally and internationally, and urgent measures shall be taken to apprehend and prosecute the criminals, their organizers and supporting governments should be blacklisted by the United Nations and subjected to severe international sanctions.

In accordance with all the standards of international law, from the Hague Conference (1907) to the Nuremberg Statute, the International Criminal Court, the Court of London and the Four Geneva Conventions (1948), this criminal act, which has been committed “purposefully” and “pre-planned”, is listed in the category of “war crime, and anti-humanity crime, and crime against humanity”.

According to the afore-cited Geneva Conventions:

War crimes include all violations of humanitarian law in conflicts and war engagements, and the crimes against humanity include “acts of cruelty against human beings, mass murders, and assault on the physical and moral integrity of human beings”.

In such cases where the occurrence of “crime against humanity, war crimes and crimes against humanity” is brighter than the sun, cases of legal liability can be brought against the offenders, the operating organizations and the supporting governments by the competent authorities.

The perpetrators of these horrific crimes committed during the last two decades are known and identified.

Most of these crimes have been committed by the Taliban and other terrorist groups. The US and NATO military forces, as well as the Afghan government, are accused of committing these crimes. Unfortunately, civilians have suffered great casualties in the bombardments.

In most cases, the perpetrators of these crimes have not been brought to justice. The main obstacles in this regard are the following:

- A weak will on the part of the government.
- The law enforcement agencies and the judicial system of Afghanistan are not able to prosecute and sue the powerful individuals within the system and capture the Taliban men.
- Prevention of the US government to prosecute the perpetrators of these crimes.

Likewise, in accordance with the security agreement between the government of Afghanistan and the United States, the US troops who commit crimes against humanity and war crimes on the Afghan soil, enjoy the so-called judicial immunity.

The International Criminal Court (ICC), with its seat in The Hague, the Netherlands, has acted in accordance with the provisions of the Statute, and Afghanistan has been a member of the Court since 2003 and is obliged to comply with the provisions of its Statute.

This court can only consider the crimes which are committed on the soil of Afghanistan or by Afghans after the entry into force of its statute.

Based on its jurisdiction and at the request of war victims and the human rights organizations, the International Criminal Court has collected complaints about the commission of war crimes and crimes against humanity in Afghanistan during the imposed war of the past years, and calls for practical and direct investigations thereabout. In order for the International Criminal Court to hear specific cases, it needs to enjoy the legal legitimacy of its intervention in that situation in accordance with Articles 17 and 53 of the Statute.

The severity and extent of the crimes committed and the lack of domestic prosecution are among the main motivations for the intervention of the International Court of Justice, and Afghanistan must cooperate with the International Court of Justice in all stages of investigation, prosecution, trial or execution.

It is imperative that the government of Afghanistan refer to the United Nations Security Council for the establishment of an international fact-finding commission for disclosure and prosecution of the perpetrators of these horrific crimes against humanity.

The investigation of these dangerous crimes by the International Court and the disclosure of the perpetrators and their supporters can reduce the motives for distrust caused by the intense psychological warfare, and strengthen the international community's compliance with the rightful claim of the oppressed people of Afghanistan.

The Leadership Council of the Afghan Lawyers' Association in Europe approaches all human rights defenders and requests:

In circumstances where entire Afghanistan and all brotherly and equal ethnic groups and the followers of all religious faiths are being targeted by the bloody crimes against humanity, it is necessary that the disclosure and prosecution of the criminals is propounded as a common human and national cause, to prevent the conspiracies aiming at giving ethnic and lingual dimensions to the human rights tragedy.

We ourselves must value our own blood!!! And in these sad and bloody days, send a public curse to the ruthless murderers and demand their trial as a common and justful human cause.

With regards,

Leadership Council of Afghan Lawyers Association in Europe

Mir Abdul Wahid Sadat

President of Association

افغانستان اماج جنایات علیه بشریت

سالمهست افغانستان به سرزمین وقوع جنایات هولناک جنگی و ضد بشری مبدل گردیده است و در شرایط کنونی کشور ما اماج دور جدید این جنایات خونبار قرار دارد، که ترژیدی خونین حقوق بشر در ولایت لوگر و مکتب سید الشهدا در غرب کابل موارد اخیر آن میباشد که گروه های تروریستی با وارد کردن تلفات گروهی سازمان یافته و از قبل پلان شده بر مراکز تجمع مردمان ملکی جرایم شدید را مرتکب میگرددند که بیشترین قربانیان این واقعات ترورستی جوانان و نوجوانان بوده اند. همچنان تلفات خانواده ها در منزل شان ناشی از شدت گرفتن جنگ ها در هلمند موردی جدید بوده که باز هم مردمان بی دفاع ملکی بیشترین قربانی را متحمل میگرددند. قتل های هدفمند کرمندان جامعه مدنی، معلمین و کرمندان نهاد های عدلی و قضائی و دهها موارد دیگر که باید در حکم جرایم جنگی و علیه بشریت مورد تحقیق، بررسی و تعقیب عدلی و قضائی در یک پروسه عدالتمندانه محکمه جزائی بین المللی قرار گیرد. کتمان، خموشی، پرده پوشی و بی توجهی بر این جنایات شدید میتواند اهمیت و اعتبار جامعه بین المللی و دیوان جزای بین المللی را شدیداً خدشه دار سازد.

بر طبق تمام معیار های بین المللی و در مطابقت با تمام موازین حقوقی، ارزشهای قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت، تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و حمله بر تاسیسات و محلات ملکی، مکاتب، شفاخانه ها، مراکز صحتی، مکاتب، مساجد و ... کشتار اهالی ملکی بمثابه:

جنایت جنگی

جنایا علیه بشریت

جنایت ضد بشری

تعریف گردیده است. که باید بطور گسترده درمقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرند.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژنیو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کنگوری «جنایات: جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژنیو:

«جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشر دوستانه در منازعات و فرگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت بر ضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید».

در همچو مورد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری» اظهار من الشمس است، مورد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند. طی دو دهه اخیر عاملان این جنایات هولناک روشن و مشخص می باشد.

-بیشترین این جنایات توسط تحریک طالبان و سایر گروه های تروریستی انجام یافته است -قوای نظامی امریکا و ناتو و همچنان دولت افغانستان در وقوع این جنایات متهم می باشند.

متاسفانه در بمباردها اهلای ملکی متحمل قربانی های بزرگ گردیده اند . در اکثر مورد عاملان این جنایات به پنجه قانون سپرده نشده اند ، که موانع اساسی درین ارتباط عبرت اند از :

-اراده سیاسی ضعیف دولت ،

-رگانهای حراست حقوق و نظام قضایی افغانستان توانایی تعقیب و محاکمه زورمندان داخل نظام و گرفتاری افراد طالبان را ندارند،

-ممانعت دولت امریکا از تعقیب عاملان این جنایات،

همچنان بر اساس موافقتنامه امنیتی دولت افغانستان با امریکا، نظامیان امریکایی که در خاک افغانستان مرتکب جنایات ضد بشری و جنایات جنگی می شوند به اصطلاح از مصونیت قضایی برخوردار می باشند

دیوان جزایی بین المللی (International Criminal Court ICC) که مقر آن در لاهه، هلند قرار دارد ، بر مبنای اساسنامه روم فعالیت نموده و افغانستان از سال ۲۰۰۳ بدین سو عضو این دادگاه بوده و ملزم بر رعایت احکام اساسنامه آن می باشد. این محکمه تنها جرایمی را می تواند مورد بررسی قرار دهد که بعد از تاریخ لازم الاجرا شدن اساسنامه آن در خاک افغانستان یا توسط افغانان ، ارتکاب یافته است. محکمه جزایی بین المللی متکی بر اصل صلاحیت خویش و بر مبنای درخواست متضررین جنگ و نهادهای مدافع حقوق بشر، شکایاتی را در مورد اتهام ارتکاب جرایم جنگی و جنایات ضد بشری در افغانستان در جریان جنگ تحمیلی سالهای گذشته، جمع آوری نموده و خواستار تحقیقات عملی و مستقیم در این زمینه می باشد. برای اینکه محکمه بین المللی جزایی بتواند قضایایی مشخص را بررسی کند ، باید مشروعیت حقوقی مداخله خویش را در آن وضعیت مطابق به مواد (۱۷ و ۵۳) اساسنامه حایز باشد .

شدت و گستردگی جرایم ارتکاب یافته و فقدان رسیدگی داخلی از عوامل اساسی مداخله محکمه بین المللی پنداشته می شود که افغانستان باید در تمام مراحل تحقیق، تعقیب، محاکمه یا اجرای مجازات با محکمه بین المللی همکاری نماید .

بسیار ضرور است تا دولت افغانستان بخاطر ایجاد يك کمیسیون حقیقت یاب بین المللی در رابطه به افشا و محاکمه عاملان این جنایات هولناک علیه بشریت ، به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه نماید .

بررسی این جرایم خطرناک توسط محکمه بین المللی ، افشای عوامل جنایت و حامیان شان زمینه بی اعتمادی ها ، ناشی از جنگ شدید روانی را کاهش داده و باعث تقویت همنوایی جامعه بین المللی از داعیه برحق مردم مظلوم افغانستان میگردد .

شورای رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با مراجعه به تمام مدافعان حقوق بشر متمنی است :
در احوالیکه تمام افغانستان و همه اقوام با هم برادر و برابر و پیروان تمام مذاهب اماج جنایات خونبار
ضد بشری قرار دهند ، ضرور است تا افشا و محاکمه جنایتگران بمثابه داعیه مشترک انسانی و ملی صدای
مطرح گردد ، تا جلو دسایس بخاطر قومی و زبانی ساختن فاجعه حقوق بشر گرفته شود .

ما ، خود باید به خون خود ارزش بدهیم !!! و درین روز های غم انگیز و خونبار نفرین همگانی به قاتل
سفاک بفرستیم و محاکمه انانرا بحیث داعیه انسانی و مشترک دادخواهی نماییم .

با حرمت

شورای رهبری انجمن
میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن



Afghan Lawyers Association
in Europe



Vereniging Afghaanse Juristen in Europa

جلالت‌آب سر منشی سازمان ملل متحد

30 ، سپتامبر 2018

در ۲۷ سپتامبر ، ۲۲ سال از تجاوز پلان شده و هدفمند گروپ موظف دولت پاکستان بر حریم نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل میگذرد که بر خلاف تمام موازین قبول شده حقوق بین المللی و در راستای هجوم لجام گسیخته بر تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی افغانستان انجام یافت .

در آن شب سیاه دولت متخالف و متخاصم پاکستان در هم‌نوایی و پلان قبلاً تنظیم شده با حامیان بین المللی خود انتقام بزرگ از آزادیخواهان افغان گرفت تا شکست های تاریخی خود را در طراحی تجاوز بر دروازه شرقی افغانستان ، دسایس و کودتا های ناکام را گرفته باشد.

هیأت موظف دولت پاکستان در ترکیب جنرالان و افسران بلند پایه اردو و آی اس آی ، بشمول دودشمن سفاک ملت و مردم افغانستان ، جنرال اسلم بیگ و جنرال حمیدگل ، جواسیس افغان و پاکستانی و صحنه گذاری لشکر مزدور شان (طالبان) با نقض حریم سازمان ملل متحد ، رئیس جمهور اسبق دوکتور نجیب الله را با تهدید و زور و بشکل اختطاف از آن دفتر خارج و در يك نمایش از قبل پلان شده ، مورد تحقیر و توهین قرار داده و بعد از شکنجه و تعذیب ، با توحش و بربریت قرون وسطایی همراه با برادرش احمدزی بقتل میرسانند .

این جنایت هولناک ضد بشری نقض خشن تمام ارزشهای حقوق بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای ناشی از ان ، کنوانسیون منع شکنجه و تعذیب و منجمله " کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی و مامورین دیپلماتیک " میباشد.

این جنایت علیه بشریت بمثابة يك فاجعه حقوق بشر با انگیزه دشمنی سیاسی و تاریخی دولت متخاصم و متخالف پاکستان بخاطر برداشتن موانع در مسیر پروسه تضعیف و اشغال کامل افغانستان که با شروع جنگ اعلام نشده انکسور در سال ۱۹۷۵ م و بر ضد نخستین جمهوریت ما آغاز و با صدور تنظیم های جهادی در اپریل ۱۹۹۲ م . زمینه های آن ایجاد و در وجود ملیشه های طالبان تکمیل میگردد .

این سازماندهی مستقیم و جنایت هیأت موظف دولت پاکستان آشکارا يك " تروریسم دولتی " و بزرگترین توهین بجامعه بین المللی و به آدرس سازمان ملل متحد پنداشته میشود .

اکنون و بعد از دو دهه و دوسال چگونه میتوان این خاموشی و سکوت سازمان ملل متحد را توجیه کرد ؟

Adres: van Someren Downerlaan 46, 5707 KL Helmond, web. www.hogqooq.eu , KvK No: 53230108, Bank ABN AMRO, No: 46.99.35.308 te Helmond.

Contact: : Nederland (A. Basir Dehzad, tel: (31) 06-19480048, e-mail: b_dehzad@hotmail.com . Denmark(M.A. Wahid Sadat, tel:(45) 027294949, E-mail: mi-sadat@hotmail.com . Duitsland: (A. Wase Ghafari, tel:(49) 061589216480, e-mail: a.waseghafari@web.de

جلالتماب محترم،
تداوم این سکوت صاف و ساده به مفهوم انقیاد و صحه گذاری بر اعمال شنیع و جنایت ضد بشری
تروریستان شیریر و تروریسم دولتی پاکستان میباشد !!
در حالیکه مسئولیت اخلاقی و تعهد سازمان ملل متحد در قبال زندگی و حیات رئیس جمهور دوکتور
نجیب الله اظهر من الشمس است ، میتوان اذعان داشت که متاسفانه هیچگونه حسن نیت و مساعی
جمیله که بار ها مسوولان سازمان ملل متحد و جناب داکتر پطروس غالی مدعی آن بودند ، اعمال
نگریده است .
انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بمتابه یک نهاد مسلکی و یک شخصیت حقوقی رسمی مستقل و غیر
وابسته به احزاب سیاسی موضوع را :

- بمتابه داعیه ملی افغانستان ،
 - بحیث تجاوز بر حریم سازمان ملل متحد،
 - تجاوز بر تمام ارزشهای قبول شده حقوق بین المللی،
 - تجاوز بر افغانستان و شئونات ملی افغانان
- مطرح و از جلالتماب شما متقاضی ایم تا :

کمبسیون حقیقت یاب بین المللی و بیطرف را ایجاد فرمایند تا بر اساس نتایج هیأت تحقیق شورای
امنیت سازمان ملل متحد جنایتکاران و حامیان پس پرده ایشان را معرفی و به محاکمه کشانیده شوند .
در تمام هفده سال حضور جامعه جهانی در افغانستان و انفاذ قانون اساسی و سر و صدا در مورد برابری
حقوق افغانان ، درمورد رئیس جمهور دوکتور نجیب اله تبعیض صورت گرفته و با لطایف الحیل از
داعیه بر حق مردم کنار رفته اند .
انجمن با مراجعه بخانواده دوکتور نجیب اله شهید و مردم حق شناس افغانستان متمنی است تا ازاین
داعیه بر حق ملی افغانستان با اقدامات عملی حمایت فرمایند .

با تجدید احترامات فائقه

از نام هیأت اجرائیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

میر عبد الواحد سادات

رئیس انجمن

